

قانون خشم برانگیز حقوق بشر در فرانسه

ژرار دچولاکیان: «امروز در گشودن به روی یک هم‌میهن ارمنی که برگه‌ی شناسایی ندارد و نمی‌داند شب در کجا بخوابد، خطر به زندان رفتن را در پی دارد».

برگردان: مهرک گل‌بان

ژرار دچولاکیان، وکیل پاریسی، همواره در کار دفاع از حقوق خارجیانی بوده است که مدارک شناسایی نداشته‌اند. تابستان گذشته (تابستان سال ۱۹۹۶) در زمان اشغال کلیسای سن برنار به وسیله‌ی مالیایی‌ها، او مرکز توجه و وسایل ارتباط جمعی بود. امروز نیز در برابر قانون دیره، در کانون نبرد قرار دارد و از بیدادگری و ضد و نقیض بودن یک سیستم قضایی - پلیسی ناپذیرفتنی که شمار بسیاری از ارمنیان را تهدید می‌کند، پرده برمی‌دارد.

NAM O: چگونه شما در دفاع از مالیایی‌هایی که برگه‌ی شناسایی نداشته‌اند، در رده‌ی

نخست قرار گرفتید؟

● ژرار دچولاکیان: پس از گذر از دفتر کار «هنری لکلرک» توجه ویژه‌ای به اشتغال در کارهای کیفری پیدا کردم و خارجیان در این‌گونه پرونده‌ها، بیش‌تر درگیر بودند و به این‌گونه به دفاع از خارجیانی پرداختم که برگه‌ی شناسایی نداشته‌اند. تلاش‌هایم در این زمینه مرا به بررسی بیش‌تر قانون بیگانگان می‌کشاند و همه‌ی این‌ها وادارم می‌کرد که به کار پرونده‌های خارجیان بپردازم. به این‌گونه هنگامی که موضوع مالیایی‌های سن برنار پیش آمد، به سراغ من آمدند.

باید یادآوری کنم، برای نتیجه‌گیری در چنین دعواهایی که به خانواده‌ها، مردان و زنان مجرد مربوط می‌شود که برخی از آنان متقاضی پناهندگی بودند (در سال‌های ۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ در کشور مالی، مردم با رویدادهای بسیار سختی روبرو شده بودند) و بررسی پرونده‌های آنان شاید سه تا چهار سال زمان لازم داشت تا چگونگی اجازة‌ی اقامتشان روشن شود. در این مدت، آن‌ها می‌توانستند تشکیل خانواده بدهند، فرزندان پیدا کنند که

افزودن دوباره‌ی آنان به پرونده‌ی اقامت، پس از چند سال و یا آن‌ها را در موقعیت پنهانی قرار دادن، کاری سهمناک بود. افزون بر آن خانواده‌هایی نیز بودند که پدر یا مادر آن‌ها به گونه‌ای توانسته بودند در ارتباط با شهروانی‌ها، عنوان اقامت تمدید نشده یا اقامت پس‌گرفته شده را داشته و پس از ده سال، به پنهان شدن، رو آورند. به این‌گونه چهره‌ی مالیایی‌های سن برنار را می‌توان مجسم کرد.

NAM O: گروه‌های سیاسی این اندیشه را پذیرفته‌اند که باید با مهاجرت‌های پنهانی مبارزه کرد. آیا دفاع از تاهنجاری و بی‌نظمی، روشی افراطی نیست؟

● ژرارد چولاکیان: نخست باید فراموش نکنیم که فرانسه کشوری مهاجرپذیر است. حتا از ۱۹۷۴ که مهاجرت، سفر نامیده شده است، ناگزیر هر سال سر می‌رسد و باز هم مهاجران در فرانسه مستقر می‌شوند. این کار به‌سادگی انجام می‌شود از طریق بچه‌ها، گردهمایی خانوادگی، به‌وسیله‌ی نیاز به نیروی انسانی در زمینه‌ی صنعت، باز هم خانواده‌هایی در سرزمین فرانسه درست می‌شود، پدر و مادرها برای پیوستن به فرزندانشان که فرانسوی شده‌اند می‌آیند، فرزندان برای پیوستن به پدر و مادرها می‌آیند و همه‌ی این‌ها تازه رسیدگان به فرانسه را تشکیل می‌دهند که در قانون نیز پیش‌بینی شده است. ولی سیاست‌مداران نمی‌خواهند آن را بپذیرند. افزون بر آن فرانسه یک دیدگاه و جایگاه سیاسی-فرهنگی ویژه‌ای دارد که ورود انبوه دانشجویان را توجیه می‌کند. در دوره‌ی پنج تا ده ساله‌ی تحصیل در فرانسه، برخی از آنان ازدواج می‌کنند و با پیوند خانوادگی، تصمیم می‌گیرند در فرانسه بمانند. اینان نیز بخشی از استقرار دوباره‌ی مهاجران را می‌سازند. سیاست‌مداران باید یک روز به این واقعیت پی ببرند و با افکار عمومی هماهنگ شوند. به‌راستی باید میان این‌گونه مهاجران با آن‌ها که سه ماه است از راه رسیده‌اند، وابستگی خانوادگی ندارند و هدفشان فقط جنبه‌ی اقتصادی دارد، تفاوت گذاشت.

از سوی دیگر باید بدانیم در دنیای امروز، می‌توان پیرامون فرانسه دیوارهایی توهین‌آمیز و ناروا کشید و چنان کرد که جابه‌جایی‌های آزادانه رفت و آمدهای میان کشورها را محدود کرد. می‌توان مانع و سد‌های حقوقی و فیزیکی درست کرد. اما نمی‌توان جلوی مهاجرت میان جنوب و شمال یا شرق به غرب را گرفت، یا به‌جابه‌جایی‌ها، جهت داد. این‌جاست که سیاست‌مداران باید به واقعیت‌ها تن بدهند و موقعیت دنیا در سال ۲۰۰۰ را بسنجند.

فرمان ۱۹۴۵ که ۲۳ بار اصلاح شده است، منتهی است که بر ورود و اقامت بیگانگان در

فرانسه، حاکم است. امروز باید برای ورود و اقامت خارجی‌ان با استفاده از داده‌های نوین بین‌المللی، مواد دیگری را بررسی کنند و در نظر بگیرند. برخی، از منطق سهمیه‌بندی دفاع می‌کنند که مسوولیت واقعیت جابه‌جایی مربوط به مهاجرت را، به‌اتفاق عهده‌دار شوند. این موضوع هم پذیرفته شده است که کشورها می‌توانند شماری از اتباع خود را به‌سرزمین فرانسه روانه کنند، زیرا با وجود بیکاری، نیاز اقتصادی به نیروی کار خارجی وجود دارد که نمی‌توان آن را انکار کرد.

○ NAM: اما مهاجران برای فرانسه، گران تمام می‌شوند!

● ژرارد چولاکیان: این هم موضوعی کلی است که برخی مطرح می‌کنند و تلاش می‌کنند در موقعیت‌های سیاسی نگران‌کننده آن را توجیه کنند. یک گزارش تازه از INED نشان می‌دهد که اگر فرانسه جابه‌جایی‌های مهاجرتی را نمی‌پذیرفت، امروز کشوری بود که ۴۵ میلیون جمعیت داشت و به‌عبارت دیگر از نظر اقتصادی سرزمینی مرده بود.

فرانسه امروز بیش از ۶۰ میلیون جمعیت دارد که از هر چهار فرانسوی تبار، یک نفر پدر یا مادر یا پدربزرگ و مادربزرگ خارجی دارد. با این همه مهاجرت، برای فرانسه یک ثروت و سرمایه بوده است. باید به‌یاد داشته باشیم که آمریکا، شمار بسیاری از کشورهای بزرگ غربی را در زمینه‌ی مهاجرت، مورد توجه قرار می‌دهد و بیش‌تر به‌چشم سرمایه و نه هزینه به‌آن نگاه می‌کند. دانشی را که اندوخته‌اند، رقم‌هایی که گویاوند در همین زمینه است و این‌که می‌گویند مهاجرت برای فرانسه هزینه است، اشتباه است.

○ NAM: با این همه کار و گرفتاری که دارید، چگونه فرصت پیدا می‌کنید که به‌کار

ارمنیان نیز بپردازید؟

● ژرارد چولاکیان: در سال ۱۹۹۳ با چند تن از همکاران ارمنی کانون وکلای پاریس تصمیم گرفتیم نسبت به‌آن چه در ارمنستان می‌گذرد، بی‌تفاوت نمانیم و یک کانون فرانسوی وکلا و حقوق‌دانان ارمنی (APAJA) درست کردیم که هدفش کمک‌رسانی با ساده‌ترین روش‌های ممکن قانونی به‌ارمنستان و پیش‌رفت آن بود تا به‌سطح یک کشور متکی بر منطق قانون برسد. اما ما نیز در حوزه‌های قانونی جامعه‌های به‌دور از ارمنستان و خارجی، می‌توانیم نیروی پشتیبان فراهم کنیم و به‌این‌گونه در اقامه‌ی دعوی علیه برنارد لوپس شریک باشیم. از ما خواسته شد که اقامه‌ی دعوی کیفری را عهده‌دار شویم. کاری بود که پذیرفتیم و نیروی بسیاری در زمینه‌ی حقوقی موضوع برای پخش و بیان کردن آن به‌کار گرفتیم. هم‌زمان با آن، دعوی مدنی را نیز اداره کردیم. همواره در چهارچوب این

کانون، ارتباط‌های خود را با وزیر دادگستری ارمنستان، نگه داشتیم. این فرصت را به دست آوردیم که در سال ۱۹۹۳ از وزیر دادگستری ارمنستان پذیرایی کنیم. در ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ هیات‌های بررسی به ارمنستان فرستادیم و برای کشف چگونگی حکومت قانون در ارمنستان و نیازها و... تلاش کردیم. سپس در سال ۱۹۹۶ سمیناری در دانشگاه ایروان درباره‌ی «واکنش نسبت به قانون فرانسه» برگزار شد.

کارهای بسیاری می‌توان انجام داد. زیرا ارمنستان می‌خواهد به یک قانون اساسی مجهز باشد و باید دستگاه‌های قضایی به وجود آورد. در این زمان همه‌ی این کارها به آرامی و با مشکلات بسیار انجام می‌شود. زیرا حقوق دانان پرورش یافته‌ی دوره‌ی شوروی، همان مفهوم و تصویری را که ما در زمینه‌ی حقوق بشر با حق دفاع و آزادی کلی داریم، ندارند. **NAM O**: آیا در کادر سیاسی محلی یا در سطح مقامات بالا، به راستی خواهسته‌ی انجام اصلاحات، حس می‌شود؟

● ژرار د چولاکیان: چنین احساسی وجود دارد. اما در سرزمینی که امتیازها و حق تقدم اقتصادی روزمره است، ناگزیر استقرار قانون، در مرحله‌ی بعد خواهد بود. افزون بر آن، قانون، تعادل و عادت‌ها را نیز بر هم می‌زند و اگر موقعیت‌های به دست آمده طی چند سال، موضوع دعوا قرارگیرد می‌تواند سبب تردید و خویش‌داری کسی شود که آن را برقرار کرده است.

NAM O: شما در موارد تابعیت، کار بسیاری دارید، چرا؟

● ژرار د چولاکیان: امروز در فرانسه یک موضوع برد و باختی وجود دارد که فراتر از اقلیت ارمنه است ولی ناگزیر به آنان نیز مربوط می‌شود. طی سال‌ها، برداشت و تصویری به نسبت مبهم و مغشوش دیده می‌شود که می‌گویند «ریشه فرانسوی، و هنگامی آشکار می‌شود که برای تمدید و تجدید مدارک شناسایی مراجعه می‌شود و دشواری‌های بسیاری به وجود می‌آورد، چون باید بررسی شود که آنان فرانسوی‌اند.

NAM O: نمونه‌ای هم وجود دارد؟

● ژرار د چولاکیان: بسیاریا بخش‌نامه‌ای از «ماتینیون» در این زمینه وجود دارد. زیرا توقع‌ها روزافزون و ادامه‌دار است. برخی فرانسویان که خود یا پدر و مادرشان، خارج از فرانسه به دنیا آمده‌اند، مورد بررسی واقع می‌شوند که آیا فرانسوی‌اند! این نگران‌کننده است زیرا امروز برای برخی از مردم بسیار سخت است که ملیت فرانسوی خود را حفظ کنند. فرانسوی‌هایی به وسیله‌ی حوزه قضایی به دادگاه خوانده شده‌اند و با لغو تابعیت،

مورد تعقیب قرار گرفته‌اند. با این‌که در قانون فرانسه، واقعیتی که ده سال حضور فرانسوی داشته، در موعد قضایی «دارا شدن وضعیت فرانسوی» حتی از موقعیت اجتماعی فرانسه را دارا می‌باشد. این چیزها نگران‌کننده است و به‌راستی به‌ما هم مربوط می‌شود در ارمنستان نیز فرزندان فرانسوی را می‌بینیم که برای نمونه در سال ۱۹۴۷ به ارمنستان بازگشته‌اند و برای گرفتن مدرک فرانسوی بودن یا برگه‌ی شناسایی یا گذرنامه‌ی خود از سفارت فرانسه، با مشکل بسیاری روبه‌رو شده‌اند. در این مورد، موقعیتی نگران‌کننده وجود دارد که مربوط به ارمنیان است.

○ NAM: شما نمونه‌هایی هم دارید؟

● ژرارد چولاکیان: هم‌اکنون برای همه‌ی فرزندان فرانسوی - ارمنی که در سال ۱۹۴۷ به ارمنستان برگشته‌اند و امروز فرزندان یا نوه‌هایی در ارمنستان دارند، مشکل بسیاری وجود دارد. برای نمونه در پاریس چندین دعوی حقوقی وجود دارد که ارمنیان ارمنستان علیه دادستان پاریس طرح کرده‌اند تا وضعیت فرانسوی بودن آنان تثبیت شود. به‌راستی باید با صدای بلند و استوار گفت کنسولگری فرانسه در ارمنستان هیچ‌گونه تسهیلاتی برای فرانسوی - ارمنی‌هایی که در ارمنستانند در نظر نمی‌گیرد و از رشته‌ی ارتباط این فرانسویان در مدیریت مرکزی پاریس استفاده نمی‌کند تا یک گواهی ملیت یا یک سند احوال مدنی به‌دست آورد که ثابت شود آنان فرانسوی‌اند.

یا پرونده‌ی کسانی که در ابتدای سده در سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۲۰ به‌وسیله‌ی برخی یتیم‌خانه‌ها به فرانسه آمده‌اند. این افراد در مارس از دواج کرده‌اند، برای نمونه خانواده‌ای سه پسر دارند که طبق قانون ۱۹۲۷ از ملیت فرانسوی برخوردارند. این پسرها در زمان جنگ دوم جهانی بین ۱۵ تا ۲۰ سال داشته‌اند. یکی از آنها در سال ۱۹۴۷ به ارمنستان رفته و در آن‌جا مستقر شده، ازدواج کرده، مرده و فرزندی از او به‌جا مانده که اکنون ۴۰ ساله است و در ایروان زندگی می‌کند. این شخص نتوانسته از کنسولگری فرانسه پروانه‌ی عبور بگیرد و به‌عنوان یک فرانسوی به فرانسه برود تا خانواده و عموهایش را ببیند. و اگر گفته شود: «اگر او را فرانسوی نمی‌دانید، دست کم به او ویزا بدهید». به او ویزا هم نمی‌دهند و می‌گویند: «شما بالقوه فرانسوی هستید!» به این‌گونه تلاش سه ساله‌ی او در ایروان به نتیجه نرسید و سرانجام خانواده‌اش در فرانسه از من خواستند که علیه وزارت دادگستری دعوی طرح کنم که او از نظر قانونی ملیت فرانسوی را دارا است. نمونه‌ی دیگر: یک نفر که سال‌ها است از ارمنستان به فرانسه آمده است، ازدواج کرده و

امروز فرانسوی است، می‌خواست پدر ۸۵ ساله‌اش را برای فرار از سرمای سخت ارمنستان به فرانسه بیاورد. او نیز با این‌که فرانسوی است، موفق نشد! باید تاکید کرد که ارتباط گرفتن با کنسولگری کاری دشوار است و برخوردها چندان گرم و همراه با گذشت نیست. افزون بر این‌ها موارد دیگری نیز دارم درباره‌ی ملیت و مشکلاتی که می‌توانند پیش پای فرانسوی - ارمنی‌ها قرار بگیرند، چه آن‌ها که در فرانسه زندگی می‌کنند و چه آن‌ها که در ارمنستانند.

NAM O: بسیج اندیشمندان را درباره‌ی قانون دبره چگونه توجیه می‌کنید؟

● **ژرارد چولاکیان:** این برخورد سختی است میان قانون فرانسه با خارجیان. این واکنش فرانسه است که با خود می‌گوید، با این همه، قانون خارجیان مربوط به خودشان است. برای نمونه: من می‌خواهم با یک مرد یا زن خارجی ازدواج کنم، نمی‌توانم... می‌خواهم یک دوست خارجی را دعوت کنم، نمی‌توانم... می‌خواهم تکه‌ای نان به یک خارجی بدهم، نمی‌توانم... زیرا قانون مرا از انجام دادن چنین کارهایی باز می‌دارد. می‌خواهم آزادانه در خیابان رفت و آمد کنم اما موهای مجعد است و سیاه چرده‌ام، پس نمی‌توانم! باید برگه‌ی شناسایی‌ام را داشته باشم تا بتوانم پاسخ پلیس را بدهم.

NAM O: قانون دبره شما را تکان نمی‌دهد؟

● **ژرارد چولاکیان:** این قانون دبره نیست که مرا تکان می‌دهد بلکه سیستم تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها است، ورود، اقامت و دور کردن خارجیان است که تکان‌دهنده است، همان‌ها که اصول مهم قانونی، پیمان‌های بین‌المللی و اصول انسانی را زیر پا می‌گذارند. امروزه دادن تکه‌ای نان به یک خارجی که برگه‌ی شناسایی ندارد، ممکن است شما را به دادگاه جنحه بکشاند. درگشودن به‌روی یک هم‌میهن ارمنی که گذرنامه ندارد و نمی‌داند کجا بخوابد و هیچ گناهی ندارد جز این‌که مدرکی ندارد، خطر به‌زدان افتادن را در پی دارد. اگر بخواهید با یک خارجی که اوراق هویت ندارد، ازدواج کنید باید خطر به‌زدان رفتن را نیز بپذیرید. اگر بخواهید فرزندان که در ارمنستان است به فرانسه بیاید با این‌که او فرانسوی است، ممکن است فرانسوی شمرده نشود و مشکلات گوناگونی پیش آید که آمدن او را غیرممکن کند. خواستن این‌که پدر ارمنی بیماری، نیازمند پرستاری است یا به گونه‌ای ساده به اندکی مهریانی نیاز دارد و آوردن او به فرانسه، ممکن نیست. این قانونی است که من آن را غیرانسانی می‌دانم و من به راستی علیه چنین قانونی مبارزه می‌کنم..